

انسان و زمین

(آیا انسان زمین را نابود می کند)

تألیف: حبیب الله ذوقی شال

www.ketab.ir

سرشناسه: ذوقی شال، حبیب‌اله، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور: انسان و زمین (آیا انسان زمین را نابود می‌کند)؛ حبیب‌اله ذوقی شال.
مشخصات نشر: تبریز، انتشارات عاصم، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص. مصور(رنگی)؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۳۱-۴-۵
وضعیت فهرست نویسی: قیفا
یادداشت: کتابنامه.

موضوع: حفاظت محیط زیست
موضوع: حفاظت محیط زیست -- مشارکت شهروندان
موضوع: حفاظت محیط زیست -- جنبه‌های اجتماعی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۱۳۹۳ ۱۳۹۳ ۱۳۹۳ ۱۳۹۳ TD۱۷۰/۵۹
رده بندی دیویی: ۳۶۳/۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۵۱۷۲۷



انسان و زمین

(آیا انسان زمین را نابود می‌کند)

مؤلف: حبیب‌اله ذوقی شال

ناشر: عاصم

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

طرح روی جلد: ناهیده نصرتی زاد

صفحه‌آرایی: مهدیه فرخی

چاپ: علی (قم)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۳۱-۴-۵

قیمت: ۹۰/۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

مرکز بخش: تبریز - خ دانشسرا - جنب اداره کل تبلیغات اسلامی - کتاب شهر ایران.

تلفکس: ۰۴۱-۳۵۲۵۲۲۴۲ ۰۹۱۴۵۸۷۴۳۵۲

پست الکترونیک ناشر: nashre.asem@gmail.com

فهرست مطالب

مقدمه:	۹
زمین و زخم‌هایش (شعر محیط زیستی)	۱۵
آشنائی مختصر با زمین	۳۴
زمین امانت الهی است:	۳۸
هستی (شعر محیط زیستی):	۴۹
خسارت بزرگی بنام ضایعات مواد غذایی	۵۵
ضایعات نان	۵۶
ضایعات نان در مکان‌های عمومی	۶۱
زبان‌های اقتصادی ناشی از ضایعات نان	۶۲
ضایعات میوه و سبزی	۶۴
زمین و خودکفایی در تولید مواد غذایی	۷۱
پیشنهادهای برای افزایش تولید مواد غذایی:	۷۶
۱. تجمع و یک‌پارچه کردن زمین‌های زراعی:	۷۶
۲. بهسازی و بازسازی زمین‌های کشاورزی	۷۷
۳. وظیفه نهادها و سازمان‌های مسئول	۷۸
۴. تقویت کشت و صنعت‌ها	۸۰

۵. اولویت‌بندی در تولید مواد غذایی ۸۰
۶. جلوگیری از فرسودگی مراتع و مزارع و تغییر کاربری آن‌ها ۸۱
۷. مهار تورم ۸۳
۸. ترغیب مردم به مصرف مواد غذایی تولید داخل ۸۸
- مروری بر عوامل آسیب زنده به محیط زیست ۹۱
- آب و حیات (شعر محیط زیستی) ۹۲
- اثر گل‌های گلخانه‌ای در آب و هوا ۹۹
- فواید و مضرات اثر گلخانه‌ای ۹۹
- اثرات مخرب افزایش غیرعادی دمای کره زمین ۱۰۱
- فاضلاب و محیط زیست در ایران ۱۰۳
- به زباله از چه دیدگاهی باید نگریست ۱۰۹
- زباله و طبیعت ۱۱۱
- منطقه قلعه رودخان واقع در شهرستان فومن ۱۱۵
- راه جنگلی کوهستانی اسالم به خلخال در منطقه تالش ۱۱۶
- مرثیه‌ای برای لاله زار بیلاق کرمان در مسیر اسالم به خلخال ۱۱۸
- طبیعت و سیزده بدر ۱۲۱
- چیدن گیاهان خوراکی و دارویی ۱۲۲
- کشت محصولات جالیزی در زیر نایلون ۱۲۳
- محیط زیست و برنامه‌ریزی ۱۲۴
- فاجعه خشک شدن دریاچه ارومیه ۱۲۴
- زاینده رود ۱۲۵
- تالاب بندر انزلی ۱۲۶
- آلوده‌سازی اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها و سواحل آن‌ها ۱۲۸

- دریا (شعر محیط زیستی): ۱۳۵
- آلودگی هوا ۱۳۶
- آلودگی صوتی ۱۳۹
- وضعیت حمل و نقل عمومی: ۱۴۱
- مترو یا قطار زیرزمینی ۱۴۳
- توسعه حمل و نقل ریلی بین شهری: ۱۴۳
- مزایای حمل و نقل ریلی ۱۴۴
- نمونه‌هایی از فرهنگ رانندگی در کشور خودمان ۱۴۸
- رابطه گردشگری و فرهنگ و اخلاق ۱۵۲
- دیدار با سهند ۱۶۰
- سفر به کوهستان (شعر محیط زیستی) ۱۶۳
- کوه‌ها و آبادانی ۱۶۵
- دغدغه‌های انسان و مغفول ماندن محیط زیست ۱۶۷
- مایع اسرارآمیزی به نام آب ۱۷۲
- انسان و جنگل: ۱۷۷
- جنگل ستیزی (شعر محیط زیستی): ۱۸۰
- دامداری و جنگل: ۱۸۲
- راه‌سازی و جنگل: ۱۸۳
- شکار: ۱۸۳
- صیاد (شعر محیط زیستی): ۱۸۵
- دشمنی انسان با حیوانات وحشی و درنده: ۱۸۷
- سرگذشت یک گراز: ۱۹۲
- راهکارهای مراقبت از زمین و محیط زیست: ۱۹۶

۲۰۳..... مردم و طبیعت (شعر محیط زیستی)

۲۰۵..... منابع مورد استفاده

www.ketab.ir

به نام آنکه هستی را پدید آورد در شش روز

مزمین کرد دنیا را به خورشید جهان افروز

مقدمه:

سخن از محیط زیست است و سرزمین ایران، سخن از دیاری است که زمانی رودخانه‌ها و نه‌رهای آب از میان یا کنار شهرهای آن عبور می‌کردند و باغ‌شهرهای زیبا را شکل می‌دادند و برکت و فراوانی را برای شهرها به ارمغان می‌آوردند. شهرهایی که در لابلای انبوم آسمان خراش‌ها و هیاو و شلوغی و ترافیک و دود و آهن و سیمان و آجر خفه نشدم بودند و از هوای پاک و تمیزی برخوردار بودند. چشمه‌سارهای زیادی در جای‌جای این سرزمین می‌جوشیدند و آب شرب اهالی را تأمین می‌کردند. کوهستان‌ها پاک و بی‌آلایش بودند و از گزند انواع زباله در امان مانده بودند. قنات‌های پر آب از سخت‌کوشی و اراده مردمانی حکایت داشت که از دوردست‌ها جاری شده و آب مورد نیاز مزارع، باغات، آب آشامیدنی و بهداشتی مردم را تدارک می‌دیدند. دریاچه‌ها و تالاب‌ها پر آب و بسیار سالم‌تر و پاک‌تر از اکنون بودند. دریاهای شمال و جنوب مملو از آبزیان گوناگون بودند و ساحت آن‌ها تا حد خیلی زیادی از آلودگی‌ها دور بود. درناهای سفید دسته‌دسته از سبیری کوچ کرده و برای زمستان‌گذرانی به آبگیرهای گیلان می‌آمدند. روستاها از هوای

پاک و آرامش دل‌انگیزی برخوردار بودند و مردم روستانشین با وسایل و ادوات سنتی و دستی به کار کشاورزی و دامداری اشتغال داشتند که علاوه بر نیازهای خود، بخش عمده‌ای از موادغذائی مورد نیاز شهرنشینان را هم تأمین می‌کردند. علی‌رغم همه مشکلات و نارسائی‌هایی که وجود داشت؛ زندگی آرام‌تر و لذت‌بخش‌تر از الان بود. چه جنگل‌های انبوه و بکری که کسی را یارای نفوذ در آن‌ها نبود و حیوانات وحشی بدون واژه از آدمیزاد، سرزنده و شاداب زندگی می‌کردند. اگر هم نزاع و جنگی بود، مابین خودشان برای بدست آوردن طعمه بود و این قانون (تنافع بقاء) در دنیای وحش بوده و خواهد بود. همه آنچه که ذکر شد برای ساکنان این مرز و بوم شادابی و خرمی و امید را به ارمغان می‌آورد.

سرزمین ما در گذشته بسیار وسیع و پهناور بود. زمانی که از تمدن و علم و هنر در دنیای غرب خبری نبود، ما سرآمد آن بودیم و کشوری که ینگه دنیا می‌نامندش هنوز کشف نشده بود. اما هر گذر زمان و در طول تاریخ ما دچار استبدادزدگی و قتل و غارت و تاخت و تار خودی و بیگانه شدیم. زمانی قوم وحشی مغول، ایران بزرگ ما را به ویرانه‌ای تبدیل کرد، کتابخانه‌ها و مراکز علمی را نابود کرد و دانشمندان را به قتل رسانید یا به انزوا کشانید. اگر سلاطین وقت از کیاست و تدبیر و اصول کشورداری برخوردار بودند، می‌توانستند جلوی این فاجعه هولناک را بگیرند. در این صورت هیچ بعید نبود که مهمترین و بزرگ‌ترین کشور دنیا به نام ما رقم بخورد. در هر برهه‌ای از تاریخ با مصائب گوناگونی مواجه شدیم. زمانی که سلاطین مستبد این سرزمین، گونی‌گونی از چشم‌های مردم بی‌گناه را به بهانه‌های واهی از حقه درمی‌آوردند و برای تکیه زدن به اریکه قدرت و خودکامگی، حتی به افراد خانواده خود هم رحم نمی‌کردند و یا بیشترین وقت خود را صرف

حرم‌سراهای خود می‌نمودند، زمینه تکه تکه شدن و عقب‌ماندگی سرزمین ما فراهم می‌شد. این در حالی بود که دنیای غرب از یوغ استبداد خونین کلیسا رهایی یافته و کمر راست کرده بود. رنسانس آغاز شده بود و اختراعات و اکتشافات یکی پس از دیگری به‌وقوع می‌پیوست. آن‌ها چهار اسبه بسوی پیشرفت و تمدن می‌تاختند، ما درجا می‌زدیم و یا به‌دنبال ترمیم خرابی‌ها بودیم و شد آنچه که نمی‌بایست می‌شد. اگرچه در میانه قرن بیستم، دو جنگ جهانی ویرانگر و فاجعه‌بار به‌وقوع پیوست و خرابی‌های وحشت‌ناکی را در تعداد زیادی از ممالک مخصوصاً در اروپا به بار آورد، و حدود یک‌صد میلیون نفر از مردم جهان کشته شدند، اما بعد از پایان این دو جنگ، دنیای غرب به سرعت خود را بازسازی کرد و بعد از ترمیم خرابی‌ها، راه توسعه و پیشرفت همه‌جانبه را در پیش گرفت و در قله صنعت و فناوری جا خوش کرد. کشورهایی که از ما عقب‌مانده‌تر یا هم‌سطح ما بودند از لحاظ قدرت اقتصادی و فناوری، بسیار پیشرفت کرده و ما را عقب زده‌اند و ما شده‌ایم مصرف‌کننده وسایل الکترونیکی، خانگی و انواع اتومبیل آن‌ها، بطوری که در اکثر منازل ما ایرانیان یک یا چند قلم از محصولات خانگی و وسایل شرکت‌های کره جنوبی وجود دارد. همین کره‌ای که چهل و پنج سال پیش با ما هم‌تراز بود. شاید اگر ما هم نفت نداشتیم، وضعیت بهتری داشیم و مصرف‌کننده کالاهای چین و ترکیه نبودیم! در این زمینه حرف‌های زیاد و مهمی برای گفتن وجود دارد و این قصه‌ای است که سر درازی دارد، به عنوان مثال: به‌جای اینکه از پدیده فرار مغزها و خروج نخبگان از کشور ناراحت شویم و آن را علت‌یابی کنیم و برای حل آن راه چاره‌ای پیدا کنیم، بیشتر به فکر توجیه آن هستیم.

کشورهای پیشرفته و مرفه و برخوردار، خیلی زود به این باور رسیدند که باید از محیط زیست خود به شدت مراقبت کنند و الآن هم محیط زیست و مظاهر طبیعی ممالکشان شدیداً تحت مراقبت و محافظت است و با وضع قوانین سفت و سخت و بیشتر از همه با فرهنگ سازی مناسب به مقصود خویش نایل گشته اند. وجب به وجب سرزمینشان آراسته و پیراسته است. گل، گیاه، درخت، فضای سبز ممتاز و لوکس، امکانات بهداشتی، رفاهی، تفریحی و اقامتی در بهترین شرایط ممکن موجود است و دریغ از یک متر مربع زمین هرز و بلا تکلیف. از این نوع سرزمین، ما هم برخوردار هستیم. منظورم شمال ایران است که شبیه قاره سبز می باشد، اما این کجا و آن کجا! مردم ایران بیشترین ایام استراحت و تفریح و تعطیلی خود را در شمال ایران سپری می کنند و به نسبت وسیع اقتصادی که دارند در آنجا هزینه می کنند؛ اما امکانات رفاهی و بهداشتی اصلاً وضعیت قابل قبولی را ندارد. در این رابطه آن قدر کمبود و نواقص و نارسایی وجود دارد که خود، کتاب مجزایی را می طلبد ولی آدم دلش از این اوضاع و احوال اسفبار می گیرد و می سوزد! در یک جمله خلاصه می کنم: آن ها سرزمین خود را هر روز زیباتر و پرجاذبه تر می کنند، ولی ما دانسته یا ندانسته از زیبایی فانی و خدادادی سرزمین خود می کاهیم. دو مثال در این مورد:

۱. در تعطیلات عید نوروز یکی از سال ها در ساحل یکی از شهرهای شمالی به اتفاق خانواده، شاهد صحنه بسیار زیبای تجمع پرندگان دریایی و پرکشیدن ها و شیرجه رفتن هاشان به داخل آب دریا بودیم، در کنار این صحنه جالب، و درست در چند متری دریا، کوهی از زیاله به چشم می خورد. سگ های ولگرد و گاوها در آنجا جولان می دادند و چوپان ها هم گوسفندان را از آنجا عبور می دادند!